



## پاسخ به نامه «میرویس ودان محمودی» منتشره پورتال افغانستان آزاد - آزاد افغانستان

رفیق عزیز میرویس ودان محمودی،

درودهای رفیقانه سازمان انقلابی افغانستان را بپذیرید. مسرویریم که پیام دومین کنگره سازمان ما را با دقت خوانده و سؤالاتی در مورد آن مطرح کرده اید. ما به حیث سازمانی که به نظرات رفقای جنبش خود اهمیت فراوان قائل هستیم و به آن صمیمانه گوش فرا می دهیم، خوشحالیم که سخنی با ما دارید و نظرات خود را بی پیرایه مطرح می کنید.

رفیق عزیز، سازمان انقلابی افغانستان به مثابه سازمان چپ و انقلابی؛ مارکسیزم، لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون را رهنمای عمل خود قرار داده و در پرتو این تیوری انقلابی که از پراتیک و آزمون های سخت انقلابی بیرون آمده است، برای رسیدن به سوسیالیسم و گذار به کمونیزم جهانی مبارزه می کند. لذا باید برای مبارزه اصولی و درست، وضعیت مشخص کشور خود را تحلیل نموده مطابق به آن برنامه، مشی و سیاست تعیین و اتخاذ نماییم. با تحلیلی که از شرایط و اوضاع کنونی به دست آورده ایم، وضعیت کشور خود را مستعمره - نیمه فیودالی می دانیم که در آن امپریالیست ها با همیاری دولت پوشالی که مرکب از نمایندگان طبقات بورژوا کمپرادور و ملاکان ارضی می باشد، توده های ستمدیده ما را با فجیع ترین شکل زیر تیغ استعمار سلاخی می کنند و طالبان این فاشیست های هار مذهبی با قساوت بی مانند، توده ها بخصوص دهقانان را گوشت دم توپ ساخته بر آنان تعدی روا می دارند.

با در نظر داشت همین وضعیت، سازمان ما دو برنامه (حداقل و حداکثر) دارد که برنامه حداقل آن به سر رساندن انقلاب دموکراتیک نوین و برنامه حداکثر آن را انجام انقلاب سوسیالیستی تشکیل می دهد. برنامه حداقل ما در خدمت برنامه حداکثر قرار دارد، لذا شعار «مرگ بر امپریالیسم» با شعار «در راه سوسیالیسم، به پیش!» پیوند دیالکتیکی پیدا می کند.

سازمان انقلابی افغانستان برای هر برنامه، تاکتیک های گوناگونی روی دست می گیرد و با تغییر شرایط و اوضاع، این تاکتیک ها می تواند تغییر بخورد، اما چیزی که در این میان واضح و روشن است، درست بودن تاکتیک ها و ممد واقع شدن آن ها برای ستراتیژی کلی می باشد. یکی از این تاکتیک ها می تواند رابطه دیالکتیکی میان کار سوسیالیستی و کار دموکراتیک باشد. در عین حال رابطه دیالکتیکی میان ترویج و تبلیغ و رابطه میان تبلیغ سوسیالیستی و دموکراتیک نیز می تواند به عنوان تاکتیک انقلابی روی دست گرفته شود.

بنابراین کار سوسیالیستی ما با کار دموکراتیک در شکل متفاوت است و وسایل جداگانه ای برای اجرای هر یک از این کارها روی دست گرفته می شود. ما در شرایط کنونی به بهانه کار دموکراتیک نمی توانیم کار سوسیالیستی را به فراموشی بسپاریم و یا عکس آن. سازمان انقلابی افغانستان ضمن کار سوسیالیستی که با شعار مارکسیزم - لنینیسم، اندیشه مائوتسه دون صورت می گیرد، کار دموکراتیک خود را نه با این شعار، بلکه با شعاری که برای مردم و توده های تهیدست ما مفهوم و قابل درک باشد و در آنان نفوذ کند، به پیش می برد، و همین تفاوت سبب می شود که ما از کار سوسیالیستی و دموکراتیک صحبت کنیم.

هنر یک سازمان انقلابی در همین است که چگونه کار سوسیالیستی خود را با کار دموکراتیک پیوند بزند. محکم گرفتن کار سوسیالیستی و رها کردن کار دموکراتیک و عکس آن، هر دو اشتباه جدی است که باید چپ انقلابی از آن حذر نماید. چنانچه تذکر رفت، رابطه دیالکتیکی این دو را نباید هرگز فراموش نماییم، نه آنها را باید قاطی هم سازیم و نه میان آنها دیوار چین بکشیم. یکی از اشتباهات جدی جنبش چپ افغانستان در گذشته این بود که مبارزه سوسیالیستی را به طاق نسیان سپرد و کار دموکراتیک را مشغله مبارزاتی اش ساخت، لذا بیجا نبود که زیر بیرق الله اکبر برای جمهوری اسلامی خون داد.

ما با شما موافق هستیم که «بدون کار دموکراتیک در بین توده های ملیونی حرف زدن از انقلاب و مارکسیزم و کمونیزم تنها و تنها نشان دادن سرابها می باشد و هیچگاهی جامه عمل نخواهد پوشید»، اما سخت باور داریم که بدون مارکسیزم و حرف زدن از انقلاب و پافشاری بر سوسیالیزم و ایدیولوژی پرولتری، کار دموکراتیک در بین توده های ملیونی، نه توده ها را نجات داده می تواند و نه آنان را رهبری و بسیج کرده می تواند، بناء چیزی که از کار دموکراتیک بدون رهبری ایدیولوژی پرولتری حاصل می شود: انحراف، انحراف و باز هم انحراف می باشد.

سازمان انقلابی افغانستان باور دارد که کار دموکراتیک ابزار سیاسی است که با گستره وسیعتری در خدمت کار ایدیولوژیک قرار می گیرد، اما در ظاهر با زبان غیر مارکسیستی و عدم کاربرد اصطلاحات و نقل قول های کمونیستی به پیش برده می شود. کمونیستها با این کار قادرند که عقاید و نظرات خود را در میان توده های بیشتری ببرند. کار دموکراتیک با این که به تضاد عمده در هر دوره خدمت می کند، در عین حال کمونیست ها می توانند درین گستره به شایسته ترین افرادی دست یابند که بالاخره به صفوف حزب جذب گردند.

چون کار دموکراتیک در هر دوره شکل خاص خود را دارد، لذا در دوران اشغال که تضاد عمده میان خلق و امپریالیزم است، باید از تمام ابزارهای تبلیغاتی و تشکیلاتی دموکراتیک (بدون این که خللی به پنهانکاری برساند) در مخالفت با تجاوز و اشغال استفاده شود تا جنبش ضد امپریالیستی تقویت گردد. این کار را می توان با نفوذ در تشکلات سیاسی غیر کمونیستی، سازمان های پایه ای، رسانه ها، ملاقات ها، نشست های مختلف و در شوراهای دهات انجام داد؛ متجاوزان و سیاست های امپریالیستی آنان را افشاء کرد و مواضع متزلزل توده ها را در مقابل امپریالیزم و تجاوز تقویت نمود.

سازماندهی انجوها، رفتن به قصرهای اشغالگران و غارتگران و سکوت در مقابل جنایات آنان، ساختن احزاب علنی، شرکت در پارلمان و کابینه پوشالی با شعارهای «جامعه جهانی نیاز ماست»، «امریکا باید جنگسالاران را محاکمه کند»، «امریکا باید حقوق بشر و دموکراسی بیاورد»، «انتخابات لگدی بر پوزه جنگ سالاران» و... کار دموکراتیک انقلابی نیست، فقط تثبیت پلورالیزم استعمارگران و اشغالگران است. تجربه نشان داده است، وقتی زبان یک سازمان در مورد مارکسیزم لال و گنگ شود و هست و بود سازمان در خدمت «کار دموکراتیک» قرار بگیرد و مثل قشله ۱۰۰ نفره معاشخور منتظر، گاه از تانک و گاه از کاماز و گاه هم از کاستر اینجا و آنجا بریزد، این نوع کار دموکراتیک بخصوص وقتی با علنی گری و فرمایش همراه باشد، پروژه ای بوده و با ختم پروژه بسترش جمع می شود، لذا به درد رهایی توده ها نمی خورد.

به مسئله شعار اشاره کرده اید. شعار نیاز هر دو نوع مبارزه است، هم مبارزه سوسیالیستی و هم مبارزه دموکراتیک. شعاری که از مجرای سوسیالیستی و انقلابی بلند می شود، اساسی تر و خطرناکتر از شعاری است که از مجرای دموکراتیک فریاد می شود. ما به حیث

سازمان انقلابی، در قدم نخست شعار سوسیالیستی را بلند می کنیم و بعد این شعار را در میان مردم به شرطی که ماهیت انقلابی و طبقاتی آن تغییر نخورد با زبان توده ها، با زبان معتدل تر می بریم. لنین در مورد شعار، شعار سوسیالیستی، کار سوسیالیستی و کار انقلابی توضیحات جامع دارد که ما در شرایط کنونی می توانیم آن را به درستی عملی کنیم: «هیچ چیز همانند اهداف و شعارهای انقلابی سوسیال دموکراسی برای بورژوازی و نوکران تزاریزم نفرت انگیز نیست، وظیفه مبرم ماست که از هر دو مسئله دفاع کنیم و این تلفیق کار علنی و غیر علنی است که خصوصاً از ما می خواهد که با هرگونه «کم بها دادن به نقش و اهمیت» حزب غیر علنی مبارزه کنیم. دفاع از موضع حزب در باره مسایل کم اهمیت تر، با معیارهای متعادل تر، در موارد خاص و در چارچوب قانونی، دقیقاً یک ضرورت است که بخصوص از ما می خواهد تا نسبت به آن دقت نظر داشته باشیم تا سر و ته این اهداف و شعارها زده نشود، تا شکل تغییر یافته مبارزه، محتوای آنها را از بین نبرد و از خصلت مبارزه جویانه آنها نگاهد، و نیز دورنمای تاریخی و هدف تاریخی پرولتاریا را تحریف ننماید...»

در رابطه به مسئله کارگران و دهقانان اجمالاً باید گفت که سازمان انقلابی افغانستان طبقه کارگر را پیگیرترین طبقه انقلابی می داند که باید در رأس انقلاب ملی - دموکراتیک قرار بگیرد، کمیت اندک این طبقه نمی تواند مانع گرفتن این مسئولیت خطیر توسط پرولتاریا شود. پرولتاریا از آن خصلت پیشرونده طبقاتی برخوردار است که می تواند توده های عظیم زحمتکشان، بخصوص دهقانان را حول خود برای راه اندازی انقلاب ملی - دموکراتیک جمع کند، خصلتی که دهقانان از آن برخوردار نیستند. ما به حیث یک سازمان انقلابی، خود را پیشاهنگ طبقه کارگر می دانیم و مدافع سایر زحمتکشان می باشیم. این پیشاهنگی به هیچ صورت عدم اتکاء بر بازوان ستبر دهقانان تعبیر شده نمی تواند. دهقان متحد طبیعی و مطمئن پرولتاریا نه تنها در انقلاب ملی - دموکراتیک بلکه حتی در انقلاب سوسیالیستی به شمار می رود.

آغاز انقلاب از روستاها، چه در چین و چه در ویتنام، هرگز به معنای پیشاهنگی طبقه دهقان نبود. احزاب کمونیست در هر دو کشوری با جامعه نیمه فیودالی و مستعمره، در نهایت برای دیکتاتوری پرولتاریا می رزمیدند و خود را احزاب کارگری می گفتند. ما در افغانستان با عین شرایط (جامعه نیمه فیودالی - مستعمره) به اهمیت و کمیت طبقه دهقان آگاه هستیم، به این خاطر زحمتکشان تهدیدست به ویژه دهقانان فقیر را از متحدان مطمئن پرولتاریا می دانیم. این پرولتاریا است که انقلاب ملی - دموکراتیک را بر سکوی پیروزی می رساند و راه را برای سوسیالیزم هموار می کند و با دیکتاتوری خود به استعمار و استثمار پایان می بخشد.

دست تان را رفیقانه می فشاریم.

کمیته روابط خارجی

سازمان انقلابی افغانستان